

لزوم توجه به زمینه‌های شکل‌گیری علوم انسانی

محمد رجبی، پژوهشگر فلسفه: «ریشه‌یابی تاریخی علوم انسانی جدید ضروری است. تصور اینکه علوم انسانی در گذشته ریشه‌ای نداشته یا در هیچ کجای دنیا یا کشور خودمان طرح نشده، اشتباه است. اگر بدانیم که شکل‌گیری علوم انسانی دارای چه زمینه‌هایی بوده تا امروز به این شکل در برابر ما قرار گرفته است، در طرح، بحث و استنتاج قضا‌یا مشکلی نخواهیم داشت.»



گزارش

مناقشه بر سر طرح تحول علوم انسانی

ترجیح رویکرد انتقادی بر نقلی

اول مرداد صادق زیباکلام، استاد علوم‌سیاسی دانشگاه تهران به بهانه ایلاغ سرفصل‌های جدید رشته علوم‌سیاسی در نامه سرگشاده‌ای خطاب به رئیس‌جمهور، علوم انسانی اسلامی را سراب و شست‌وشوی مغزی دانشجویان خوانده بود و خواهان توقف اسلامی‌سازی علوم شد. زیباکلام در نامه خود آورده بود: «شارحان علوم انسانی اسلامی به دنبال شست‌وشوی مغزی دانشجویان علوم انسانی هستند تا در پایان تحصیلات‌شان در حوزه‌هایی همچون سیاست، حکومت، تاریخ و مناسبات بین‌المللی، همان تفکرات و باورهای حکومتی را پیدا کنند.»

بعد از انتشار این نامه از سوی صادق زیباکلام، محمد محمدرضایی، استاد فلسفه‌دین دانشگاه تهران و رئیس کارگروه تخصصی فلسفه‌دین و کلام جدید شورای تحول علوم انسانی در نامه‌ای به اظهارات موجود نیز ایدئولوژیک است در بخشی از نامه خود چنین آورده بود: تحول علوم انسانی براساس چهار اصل عقلانی، روزآمدی، کارآمدی، بومی بودن و اسلامی‌سازی صورت می‌گیرد. اگر این اصول به درستی مورد توجه قرار گیرند، فکر نمی‌کنم کسی با آنها مخالفت داشته باشد. براساس اصل روزآمدی در تحول علوم انسانی باید به جدیدترین نظریات در حوزه خاص علمی اشاره کرد و آنها را مورد توجه و امعان نظر قرار داد. براساس اصل بومی بودن و کارآمدی، باید به گونه‌ای در مورد علوم انسانی رایج برنامه‌ریزی صورت گیرد که فارغ‌التحصیلان حوزه علوم انسانی، در جامعه کارآمد و مناسب برآورند نیازهای جامعه باشند.»

واکنش‌ها به این نامه ختم نشد و فرزاد جهان‌بین، استاد دانشگاه شاهد و دبیر شورای سیاست‌گذاری کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی هم به زیباکلام پاسخ داد. جهان‌بین با اشاره به درخواست زیباکلام از حسن روحانی، رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی برای جلوگیری از علوم انسانی اسلامی نوشته بود: «اگر منظورشان جریان و فرآیند طبیعی تحول بنیادین در علوم انسانی است که این موضوع با دستور و حکم و برخورد، متوقف نمی‌شود. ماندگاری هر موضوعی نه به رانت و تنفس مصنوعی؛ بلکه به قدرت ووزانت علمی بستگی دارد. اگر خود شما هم دقیق و عمیق با مدعیات علوم انسانی اسلامی آشنا شوید چه‌بسا به اهمیت آن پی ببرید و آن را پذیرا شوید.»

اما آخرین واکنش به این اظهارات مرقومه آیت‌ا... سبحانی از مراجع عظام تقلید در پاسخ به پرسش محمدرضایی بود.

آیت‌ا... سبحانی با اشاره به مطرح کردن علوم انسانی اسلامی از سوی امام خمینی (ره)، مقصود از آن را حاکم شدن ارزش‌های اسلامی در محیط دانشگاه در ابعاد مختلف و تبدیل محیط دانشگاه به یک محیط علمی و تربیتی دانسته است؛ چراکه هدف تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام، تربیت انسان‌های الهی است.

در بخشی از نامه این مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه آمده است: «اما استناد کردن علوم انسانی، البته به این معنا نیست که تمام اندیشه‌ها و نظریات اندیشمندان جهان کنار گذاشته شود و درهای کشور را روی خود ببندیم و فقط از مدارک اسلامی مسائل علوم انسانی را استخراج کنیم. چنین تفسیری کاملاً خطاست و مقصود مدافعان این نظر، چنین نیست. بلکه هدف این است که ضمن بهره‌گیری از افکار و نظریات دانشمندان جهان در تمام قلمروهای علوم انسانی اعم از مدیریت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و دیگر مسائل فلسفی، اخلاقی و اعتقادی، اگر نظریه‌ای صدرصد با اصول و مبانی و نظریات مسلم دینی مخالف بود، مورد نقادی قرار گیرد. البته بدون نقد بنیاد جزء مواد درسی دانشگاه قرار داده شوند. «آیت‌ا... سبحانی در ادامه با بیان چند مثال درصدد تبیین هرچه بیشتر موضوع برآمده است و در مورد نظرات مختلف در اقتصاد به عنوان یکی از شاخه‌های مهم علوم انسانی نوشته است: «در قلمروی اقتصاد هم هنوز دو نظریه به صورت فقیه منفصله مطرح است: گروهی سود را نتیجه سرمایه دانسته و برای عامل فعال سهمی قائل نبوده یا سهمی کمتر؛ اما در مقابل آن، نظریه عامل و کارگر مطرح بوده که درآمدها و سرمایه مال عامل و کارگر است. نظریه نخست از آن نظریه سرمایه‌داری و نظریه دیگر از آن سوسیالیسم است. در حالی که اسلام برای هر دو نقشی در ثروت آفرینی قائل است و تصویب مضاربه و مزارعه گواهی بر این مطلب است، البته ما این مثال‌ها را به عنوان تقریب به ذهن می‌گوییم والا مساله عمیق‌تر از اینهاست.» ایشان در پایان از ریاست‌جمهور و شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای تحول علوم انسانی و استادان متعهد دانشگاه‌ها درخواست کرده و خواهان این مساله شده‌اند که نسبت به این موضوع عنایت بیشتری صورت گیرد.

«تکنوکراسی» به چاپ دوم رسید

کتاب «تکنوکراسی» گفت‌وگوها و یادداشت‌های شه‌ریار زرنشاس، عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی درباره تکنوکراسی و تکنوکرات‌هاست. چاپ دوم این کتاب توسط انتشارات نشر معارف در ۲۲۴ صفحه منتشر شده است. یش نخست این اثر مربوط به گفت‌وگوهاست که در آن عناوینی نظیر «تکنوکراسی ما را به سمت تسلیم شدن می‌برد»، «عدم راهیابی تکنوکرات‌ها به رأس نظام، نشانه پیشرفت انقلاب اسلامی»، و... بخش دوم نیز یادداشت‌هایی اینچنینی است: «خطر تکنوکرات‌های انقلابی نما دوباره احساس می‌شود»، «بررسی رویکرد نئولیبرالی ماهنامه مهرنامه»، «عملکرد نئولیبرالیسم ایرانی در عرصه اقتصاد» و «جیغ بورژوازی در کوچه» و... است. در پشت کتاب نوشته شده است: «قرار نیست یک مشت تکنوکرات بیایند بر اساس مدل تکنوکراتیک اقتصاد را بسازند و بعد بخواهیم فرهنگ دینی را ترویج کنیم. اگر تکنوکرات اقتصاد سازد، فاجعه می‌شود. تکنوکرات اقتصاد بسازد مدل نئولیبرالی را اجرا می‌کند؛ و نئولیبرالیسم هر جا اجرا شده فقر، اعتراض و بحران ایجاد کرده است.»

شماره جدید فصلنامه کتاب فقه و حقوق

شماره هشتم «فصلنامه نقد کتاب فقه و حقوق» ویژه زمستان ۱۳۹۵ به سردبیری سیدمحمدعلی احمدی‌اپه‌ری و صاحب امتیازی موسسه خانه کتاب منتشر شد. «نقد مکتوب» این شماره از فصلنامه «فقه و حقوق» در بردارنده ۹ مقاله علمی است که نویسندگان هر کدام از مقالات به بررسی کتابی با موضوع «فقه و حقوق» پرداخته‌اند. «نقد و نظری بر کتاب تحول قدرت» عنوان مقاله‌ای نوشته حجت‌ا... محمدشاهی، دانشجوی دکتری حقوق عمومی است. شاهی این مقاله را در نقد و بررسی کتاب «تحول قدرت: دولت و حاکمیت از سیدده‌مان تاریخ تا عصر جهانی شدن» نوشته است. کتاب فسخ معامله با استناد به خیار تبیض صقعه نوشته سیدمحمدآنا تنها مطلب منتشر شده در بخش «نقد ویرایش» این شماره از فصلنامه کتاب «فقه و حقوق» است. «گوناگون»، «بخش عربی» و «انگلیسی» سه بخش پایانی این شماره از فصلنامه را در بر می‌گیرند.

سوگواری برای یک پدیده اجتماعی

آل احمد علیه سلفی



کودکانه بازنمایی شده است. هر تصویری دارای پیام است و چنین عکس‌های یادگاری در ساحت سیاستمداران موید نشانه‌های اندیشگانی و جامعه‌شناختی است. این «تصویر» را حاشیه پررنگ‌تر از متن و روایت ناقص و ناسره از رخداد تحلیل دانستند، درحالی که این تصویر «متن» اصلی و برآیند یک الگوی بینش و منش خاص است که این بار از سوی برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است و جامعه نسبت به این تحقیر واکنش جدی نشان داد. فرامتن این تصویر نمایانگر رسوخ تفکر غرب‌باور- به شکل کاریکاتوری آن - در میان کارگزاران سیاسی کشور است که این‌بار در برابر این نفیر عریان و عیان ولی

همزمان با صدور فرمان مشروطیت، یکصدویست و ششمین جلسه رسمی علنی مجلس شورای اسلامی به‌منظور آیین تحلیل حسن روحانی با حضور مقامات داخلی و خارجی برگزار شد. در این میان سلفی عجیب برخی نمایندگان فراکسیون امید با فدر یکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا خشم و اعتراض افکار عمومی را برانگیخت. هرچند احمد مازنی، نماینده لیست امید و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس بدون

مسعود ندافان

روانامه‌نگار



فکر و نظر

یادداشت

آنچه در جریان مراسم تحلیف رئیس‌جمهور از سوی برخی نمایندگان فراکسیون امید در مجلس شورای اسلامی اتفاق افتاد را می‌توان از زوایای دید مختلفی مورد توجه و مذاقه قرار داد. ازجمله زوایایی که شاید بتوان به واسطه آن نگاه دقیق‌تری به ماجرای سلفی نمایندگان مجلس با موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا داشت؛ نگاه از زاویه دید روانشناسی اجتماعی است. واقعیت این است که این رخداد نشانه‌ای است از وجود یک وضعیت روانی در برخی لایه‌های اجتماعی جامعه. در این باره می‌توان دو نکته را مورد توجه قرار داد.

برای بیان نکته اول از یک سوال و پاسخ به آن باید شروع کرد. آیا می‌دانید چرا امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی مخالفت خود با رفتار آمریکا درقبال ایران را ذیل مفهوم «استکبار» صورت بندی می‌کرد؟ در زمانه‌ای که امپریالیسم پرکاربردترین مفهوم برای توضیح رفتار سلطه‌جویانه آمریکا در قبال ایران بود، امام راحل عظیم‌الشان از این مفهوم سود جست و بر مفهوم «استکبار» پافشاری کرد. در پاسخ به این پرسش باید توجه داشت که مفهوم امپریالیسم مفهومی است برای توضیح یک «وضعیت اقتصادی»؛ وضعیتی که به موجب آن آمریکا به‌عنوان کشور قدرتمند، کشور ضعیف را برای سوداندوزی و بهره‌کشی اقتصادی تحت سلطه اقتصادی و نظامی خود درمی‌آورد. اما امام راحل عظیم‌الشان دلیل مخالفت خود با آمریکا را صرفاً یک وضعیت اقتصادی نمی‌داند. ایشان برای بیان مخالفت خود با آمریکا از مفهوم «استکبار» استفاده کرد. این مفهوم قرآنی که به معنای تکبر و زبند است موید وجود یک وضعیت روانی است؛ وضعیتی که در آن مستکبر بر مخاطبان خود

مبانی روشنفکری دینی

از اتقان لازم برخوردار نیست

محمدمحمدرضایی، پژوهشگر حوزه فلسفه و کلام در مصاحبه با مهر اظهار داشت: «هیچ کدام از مبانی مطرح‌شده توسط روشنفکران دینی سکولار از اتقان لازم برخوردار نیست. با محک عقل و مسلمات دین می‌توانیم مبانی و نظریات و روایت‌های دینی که به اسم روشنفکری دینی مطرح می‌شود را مورد نقد و بررسی قرار داد.»



را از روی حساسی برمی‌دارد و هر کاری را نتیجه معادله‌ای می‌داند کاری به کار دیگران ندارد - چه رسد که در غم‌شان باشد.»

با رخدادهای اخیر شاید آناتومی آدم غرب‌زده روایت جلال آل احمد با زمره‌های بلندی و رساتری بیان می‌شد که «آدم غرب‌زده شخصیت ندارد. چیزی است بی‌اصالت، خودش و خانه‌اش و حرف‌هایش بوی هیچ چیزی را نمی‌دهد. بیشتر نماینده همه چیز و همه کس است. نه اینکه «کوسمو پولیتن» باشد یعنی دنیا وطنی. ابدا. او هیچ جایی است. نه اینکه همه‌جایی باشد. ملغمه‌ای است از افراد بی‌شخصیت و شخصیت خالی از خصیصه. چون تاملین ندارد تقیه می‌کند.»

نفرت عمومی از غرب‌زدگی عریان

با وجود این رخداد ناگوار در پارلمان، واکنش جامعه نسبت به آن قابل توجه بود و نشان داد که غرب‌باوری عریان که تحقیر ملی را آشکارا نمایان می‌کند، با انزجار عمومی همراه است و مردمان این دیار همچنان در برابر هرگونه رفتاری که تعدی به هویت ملی آنان باشد، واکنش جدی نشان می‌دهند. ولی آن هنگامی که تفکر غرب‌باوری پنهان و خزنده در نظام تعلیم و تربیت رسوخ پیدا می‌کند و در ناخودآگاه اثرگذار می‌شود و نمونه‌های فکری و عملی آن پس از سالیان طولانی امکان بروز پیدا می‌کند؛ آستانه واکنش کاهش می‌یابد؛ در میان این تفکیک کشی حلقه مفقوده عنصر آگاهی‌بخشی جامعه از میراث تفکری غربی است و آن هنگامی که ابعاد لایه غرب‌زدگی پنهان آشکار شود مسلماً نفرت عمومی صورت خواهد گرفت.

«خودکم‌بینی» و «حقیربودگی» در برابر غرب هنوز در برخی لایه‌های اجتماعی و سیاسی ایران وجود دارد و نشانه دیگر و مهم‌تر آنکه قاطبه جامعه ایران از وجود رگه‌های این روحیه در برخی لایه‌های اجتماعی و سیاسی احساس انزجار دارد. این یعنی جمهوری اسلامی و رهبران آن در پیگیری سیاست خود در این باره تا حد زیادی موفق بوده‌اند.

رسول جعفریان این موضع خود را به نگارش انتشار کتاب ۱۲۰ صفحه‌ای «تسخیر تمدن فرنگی» از سیدفخرالدین شادمان از ترجیح شادمان بر جلال آل احمد سخن گفت. وی نوشت: «سال‌ها شیفته غرب‌زدگی جلال بودیم. فسل‌ها به جای خود، اما من در مقایسه، فکر می‌کنم فکر شادمان بر آن ترجیح دارد؛ فکری که ما به آن بی‌توجهی کرده‌ایم... اگر ما به جای غرب‌زدگی جلال، کتاب تسخیر تمدن فرنگی را مبنا قرار داده بودیم، هم به اهداف خوب جلال در مذمت سطحی‌نگری و عوام‌زدگی غربی مابی می‌رسیدیم، هم از غرب و تمدن آن می‌کشید، دور می‌شدیم.» رسول جعفریان این موضع خود را به نگارش درآورد اما توجه نکرد که آنچه جلال آل احمد به آن پرداخته بود، یک فکر در ذهن آل احمد نبود بلکه احد یک وضعیت اجتماعی عینی را صورت‌بندی نظری کرده بود. او در کتاب غرب‌زدگی درباره ذهنیت خود نوشته بود بلکه واقعیتی که رگه‌های آن هنوز در بخشی از لایه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران باقی می‌شود. نمونه بارز و جدید آن همین ماجرای سلفی نمایندگان مجلس با مسئول برخی نیروهای سیاسی را می‌توان در همین سلفی با موگرینی به عینه دید. آل احمد در کتاب غرب‌زدگی درباره این عینیت سخن به میان آورده بود؛ عینیتی که امروز افکار عمومی ما منجرکننده است.

